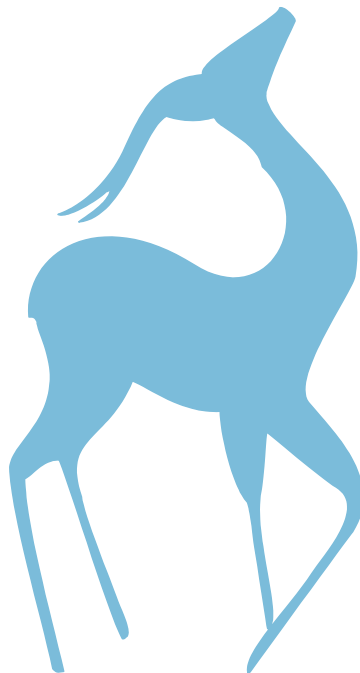


# علوم و فنون ادبی دهم غزال

( رشته های علوم انسانی و معارف اسلامی )

( از مجموعه رشادت )



دکتر کامران شاه مرادیان  
مهر انگیز سلمانی





## دانش آموزان گرامی

ورود شما را به دوره دوم متوسطه تبریک می‌گوییم. این دوره شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده شغلی شما بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره سه‌ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسندیم که کتاب‌های فارسی «غزال» را در اختیار شما قرار می‌دهیم. این کتاب‌ها که از مجموعه کتاب‌های «رشادت» به حساب می‌آیند، موفقیت تحصیلی شما را تضمین می‌کنند. این مجموعه، برای دانش‌آموزانی نوشته شده است که مایلند در بهترین رشته‌های دانشگاه‌های بنام کشور تحصیل کنند. مؤلفان مجموعه غزال، پس از ارائه درسنامه جامع، بانک سؤال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهند که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای تالیفی و کنکور سال‌های اخیر است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند. پاسخ‌نامه کلیدی در انتهای کتاب آمده است.

- نکاتی که در تألیف کتاب «علوم و فنون ادبی دهم غزال» مورد توجه مؤلف بوده، به شرح زیر است:
- ❖ با توجه به این‌که عنوان کتاب کتاب حاضر، علوم و فنون ادبی (۱) است، سعی شده است که مفاهیم و مطالب مورد بحث در هر یک از فصل‌ها، متناسب با آهنگ کتاب درسی توضیح داده شود و از پرداختن به فنون و آرایه‌های اضافی خودداری شده است.
  - ❖ سعی مؤلفان این کتاب بر آن بوده که مطالب مورد بحث در هر فصل را به زبانی ساده‌تر و شیوه‌ای نوین و قابل فهم توضیح داده شود.
  - ❖ در فصل دوم، تلاش شده است که جهت تفهیم بهتر مفاهیم سبکی و ویژگی‌های آثار شعرا و نویسندگان، توضیح مختصری درباره آثار و شخصیت‌های موردنظر داده شود. این کار سبب می‌شود ضمن معرفی آثار و شخصیت‌های مورد اشاره، به شناخت عملی ویژگی‌های سبکی آثار منظوم و مثنوی نیز کمک کند.
  - ❖ در انتهای هر فصل، متناسب با حجم و اهمیت مطالب درسی، تعدادی سؤال چهارگزینه‌ای همراه با پاسخ‌نامه تشریحی گنجانده شده است. این پرسش‌ها شامل سؤالات کنکور سراسری و سؤالاتی است که توسط مؤلفان طرح شده است.
- در پایان، وظیفه خود می‌دانیم از مؤلفان محترم این کتاب، آقای دکتر کامران شاه‌مرادیان و خانم دکتر مهرانگیز سلمانی و دبیر محترم مجموعه، که کتاب زیر نظر ایشان تألیف شده است، تشکر کنیم.
- همچنین از خانم سمیه بهرامی که زحمت حروفچینی و صفحه‌آرایی و خانم بهاره خدایمی که زحمت کارهای گرافیکی کتاب را برعهده داشته‌اند، بسیار ممنونیم و برای همه این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

ستایش: ای بی‌نشان ..... ۷

## فصل یکم: کلیات

۱۰	درس یکم: مبانی علوم و فنون ادبی .....
۱۴	درس دوم: بررسی و طبقه‌بندی آثار .....
۱۹	درس سوم: کالبدشکافی متن ۱ (شعر) .....
۲۴	درس چهارم: کالبدشکافی متن ۲ (نثر) .....
۲۹	کارگاه تحلیل فصل .....
۳۱	سؤالات چهارگزینه‌ای فصل یکم .....
۳۳	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل یکم .....

## فصل دوم: تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

۳۶	درس پنجم: زبان و ادبیات پیش از اسلام .....
۴۰	درس ششم: شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی .....
۴۵	درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی دوره اول (سبک خراسانی) .....
۵۴	درس هشتم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم .....
۶۰	درس نهم: سبک و سبک‌شناسی دوره دوم (سبک عراقی) .....
۶۶	کارگاه تحلیل فصل .....
۷۳	سؤالات چهارگزینه‌ای فصل دوم .....
۸۰	پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای فصل دوم .....

## فصل سوم: موسیقی شعر

۸۶	درس دهم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی .....
۹۳	درس یازدهم: هماهنگی پاره‌های کلام .....
۹۸	درس دوازدهم: قافیه .....
۱۰۴	درس سیزدهم: وزن شعر فارسی .....
۱۰۹	کارگاه تحلیل فصل .....
۱۱۳	سؤالات چهارگزینه‌ای فصل سوم .....
۱۲۲	پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای فصل سوم .....

## فصل چهارم: زیبایی‌شناسی (بدیع لفظی)

۱۳۰	..... درس چهاردهم: واج‌آرایی، واژه‌آرایی
۱۳۴	..... درس پانزدهم: سجع و انواع آن
۱۳۸	..... درس شانزدهم: موازنه و ترصیح
۱۴۳	..... درس هفدهم: جناس و انواع آن
۱۴۷	..... کارگاه تحلیل فصل
۱۵۰	..... سؤالات چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۱۶۶	..... پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۱۸۰	..... نیایش: به امید تو

## « ستایش »

### ای بی نشان

« ای بی نشان مفضل، نشان از که بویمت گم گشت در تو هر دو بھوان، از که بویمت  
تو گم نه ای و گمشده تو منم ولیک نایافت یافت می نتوان از که بویمت  
پیدا بسی بستم اما نیافتم اکنون مرا بگو که نهان از که بویمت  
پون در رھت یقین و گمانی همی رور ای برتر از یقین و گمان از که بویمت  
در بست و بھوی تو دلم از پرده اوختار ای در درون پرده بان، از که بویمت  
عطار اگر چه یافت به عین یقین تو را ای بس عیان به عین عیان از که بویمت

عطار نیشابوری، دیوان اشعار، غزلیات

شعر فوق که از غزلیات عطار نیشابوری انتخاب شده است، تحمیدیه ای است که برای سرآغاز این کتاب در نظر گرفته شده است.

**تحمیدیه چیست؟** در لغت به معنی حمد و ستایش گفتن و گفتن «الحمد لله» است و در اصطلاح ادبی، سخنی زیبا به شعر یا نثر است در ستایش خدا.

معمولاً شاعران و نویسندگان در آغاز آثار خود، به حمد و ستایش پروردگار یکتا می پردازند و امیدوارند با یک آغاز خوب و زینت دادن آن با نام خدا، پایان و فرجام آن نیز زیبا و ارزشمند رقم بخورد. این دعا و نیایش در ادب فارسی جایگاه ویژه ای دارد؛ به گونه ای که در ادبیات کهن و امروز کم تر آثاری است که در آن، شاعر و نویسنده به ستایش و توصیف ذات باری تعالی نپرداخته باشند؛ پس می توان با قاطعیت عنوان کرد که تحمیدیه و نیایش در پهنه ادب فارسی همواره بوده و هست.

این نیایش ها که سرشار از مضامین لطیف و عمیق و پرمعنی است، با حمد الهی و توصیف عظمت کبریایی حق آغاز می شوند؛ برشمردن صفات جمال و جلال الهی و سخن گفتن از رحمت و مغفرت خداوندی، بخش عمده این مناجات ها را تشکیل می دهد؛ سپس گوینده به عجز و نیاز می پردازد و معاصی و گناهان خود را برمی شمارد و از درگاه خداوند طلب عفو و مغفرت می کند. در ادب فارسی، نمونه های دلپذیری از نیایش و مناجات می توان یافت. نیایش ها و مناجات های منشور خواجه عبدالله انصاری، تحمیدیه های لطیف و زیبای نظامی، سعدی، مولانا و مناجات شورانگیز وحشی بافقی در آغاز منظومه شیرین و فرهاد و پیش تر از همه این ها ستایش ها و نیایش های شاهنامه فردوسی از زبان رستم در لحظه های حساس و سرنوشت ساز نبرد و پیکار، نمونه های عالی و باشکوه تحمیدیه و مناجات در ادب فارسی محسوب می شوند.

فریدالدین ابو حامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن الحاق عطار نیشابوری، یکی از شعرا و عارفان نام‌آور ایران در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری است. بنابر آنچه تاریخ‌نویسان گفته‌اند، بعضی از آنان سال ولادت او را ۵۱۳ و بعضی ۵۳۷ (ه. ق) می‌دانند. او در قریه کدکن یا شادباخ از توابع نیشابور به دنیا آمد. از دوران کودکی او اطلاعی در دست نیست جز این که پدرش در شهر شادباخ به شغل عطاری (دارو فرش) مشغول بوده که بسیار هم در این کار ماهر بود. بعد از وفات پدر، فریدالدین هم شغل پدر را ادامه می‌هد و به عطاری می‌پردازد؛ تا این که بر اثر یک انقلاب روحی مسیر زندگی او تغییر کرد. در مورد این انقلاب روحی، روایات زیادی بیان شده است که معروف‌ترین آن‌ها این است:

«روزی عطار در دکان خود مشغول معامله بود که درویشی به آنجا رسید و چندبار با گفتن جمله چیزی برای خدا بدهید، از عطار کمک خواست ولی او به درویش چیزی نداد. درویش به او گفت: ای خواجه! تو چگونه می‌خواهی از دنیا بروی؟ عطار گفت: همان‌گونه که تو از دنیا می‌روی. درویش گفت: تو مانند من می‌توانی بمیری؟ عطار گفت: بله. درویش کاسه چوبی خود را زیر سر نهاد و با گفتن کلمه «الله» از دنیا رفت. عطار با دیدن این صحنه، به شدت متغیر شد و از دکان خارج شد و راه زندگی خود را برای همیشه تغییر داد. مقبره او در نزدیکی شهر نیشابور قرار دارد و چون در عهد تیموریان مقبره او خراب شده بود، به فرمان امیر علیشیر نوایی و زیر سلطان حسینی بایقرا مرمت و تعمیر شد.

#### آثار شیخ به دو دسته منظوم و منثور تقسیم می‌شود:

آثار منظوم او عبارت است از:

۱. دیوان اشعار که شامل غزلیات، قصاید و رباعیات است.

۲. مثنوی‌های او عبارت است از:

الهی‌نامه، اسرارنامه، مصیبت‌نامه، وصلت‌نامه، بلبل‌نامه، منطق‌الطیر، مختارنامه، اشترنامه و مظهرالعجایب اثر منثور عطار، کتاب تذکره‌الاولیاست که از کتب مشهور فارسی و از مآخذ معتبر در شرح احوال و گفتارهای مشایخ صوفیه است. در این کتاب، سرگذشت نود و شش تن از اولیا و مشایخ با ذکر مقامات و مکارم اخلاق و مواعظ و سخنان حکمت‌آمیز آنان آمده است.



# فصل یکم

## کلیات

- درس (۱): مبانی علوم و فنون ادبی
- درس (۲): بررسی و طبقه بندی آثار
- درس (۳): کالبد شکافی متن (۱) شعر
- درس (۴): کالبد شکافی متن (۲) شعر

## کارگاه تحلیل فصل

می‌دانیم که درک مناسب هر علمی نیازمند آشنایی با مبانی و اصول و یک سری قواعد و اصطلاحات آن علم می‌باشد؛ از این رو جهت شناخت فنون ادبی لازم است با اصول و مبانی این علم و تعداد قابل توجهی از اصطلاحات آن آشنا شویم. مهم‌ترین اصطلاحات مرتبط با علوم و فنون ادبی در این کتاب عبارتند از: متن، ادب، ادبیات، فصاحت و بلاغت.

### متن چیست؟

به‌طور کلی هر عاملی که ذهن ما را به فعالیت و پویایی درآورد، متن است. بنابراین مقصود کلی از متن، تنها نوشته‌های روی کاغذ و کتاب نیست؛ بلکه صداهایی که شنیده می‌شوند، بویی که احساس می‌شود، رویدادی که دیده می‌شود، مزه‌ای که چشیده می‌شود، هر چیزی که لمس می‌شود؛ همه و همه، متن به حساب می‌آیند. پس متن‌ها شنیداری، بویایی، دیداری و ... نیز هستند؛ مثل کتاب که معمولاً دیداری به شمار می‌آید؛ اگر خوانده شود، به آن متن شنیداری یا خوانداری هم می‌گوییم. در این کتاب، مقصود از متن، آثار شعر و نثر فارسی است.

### ادب

سیر تاریخی واژه «ادب» نشان می‌دهد که این واژه مترادف «ادبیات» بوده است. گذشتگان، شناختن اموری را که منجر به حفظ انسان از ارتکاب خطاها شود، ادب گفته‌اند. بعدها، واژه «ادب» به علومی گفته می‌شد که انسان‌ها به کمک آن، خود را از انجام خطا در سخن مصون می‌داشتند. این علوم عبارتند از: صرف، نحو، بدیع، معانی، بیان، قافیه، خط و ... البته هنوز هم افرادی را که با شیوه‌های مختلف سخن آشنا باشند، ادیب می‌گویند. اما واژه «ادبیات» از سال (۱۲۸۵ ش) یعنی عصر مشروطه کاربرد زیادی پیدا کرده است. امروزه در زبان فارسی، اصطلاح ادبیات در معانی زیر به کار می‌رود:

۱. مجموعه نوشته‌ها، اصطلاحات و رفتارهایی که در یک رشته علمی یا حرفه‌ای رواج می‌یابد؛ مانند ادبیات پزشکی، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق، ادبیات سینما و ادبیات سیاست. در این نوع کاربردها، ادبیات به معنی آداب و هنجار رایج در این زمینه‌هاست.
۲. تمام آثار مکتوب و هر نوع نوشته‌ای که به تاریخ تمدن بشری تعلق داشته باشد، ادبیات شمرده می‌شود. در این تعریف، متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پزشکی و فلسفی گذشته نیز جای می‌گیرند. براساس این تعریف، متون علمی قدیم نیز در زمره آثار ادبی کهن قرار می‌گیرند.

۳. ادبیات، مجموعه نوشته‌هایی است که باورها، اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین صورت‌ها بیان می‌کند. در این تعریف، تنها ادبیات مکتوب جای می‌گیرد؛ ولی ادبیات شفاهی مانند افسانه‌ها، حکایات، مثل‌ها و ترانه‌های متداول بین مردم نیز، میراث گران‌بهای ادبی به شمار می‌روند.

**نکته** در این کتاب، بیش‌تر به ادبیات مکتوب می‌پردازیم و در یک تعریف روشن‌تر می‌گوییم: ادبیات، هنر کلامی است؛ کلامی زیبا که خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار است. پس ادبیات هم یکی از انواع هنرهاست؛ ماده اصلی ادبیات، زبان است؛ به بیان دیگر، ادبیات کاربرد هنرمندانه زبان است. تفاوت عمده ادبیات و زبان، در هدف آن دو است. هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است در حالی که هدف ادبیات، زیبایی‌آفرینی است. ضمناً بر مبنای منطق حاکم بر زبان، هر کلمه، معنای قراردادی و مشخصی دارد؛ جمله‌ها نیز ساختمان، اصول و قواعدی دارند؛ اما ادبیات به راحتی و به کمک تخیل می‌تواند منطق حاکم بر زبان را در هم بریزد؛ یعنی هم‌واژه را از معنای قراردادی آن خارج می‌کند و هم منطق معنایی جمله را متحوّل می‌کند. ادبیات به کمک زیبایی‌ها و شگردی‌های هنری مانند تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، در آمیختن حس‌ها، اغراق و ... (آرایه‌های ادبی) به زبان، نقشی هنری می‌بخشد. البته از تکرار موسیقایی آواها و عواطف و احساسات هم‌استفاده می‌کند. ادبیات سخنی تأثیرگذار و بلیغ یا رساست که با قرار گرفتن در ذهن شنونده، او را برمی‌انگیزد. سخن رسا و بلیغ دو ویژگی دارد: فصاحت و بلاغت.

## فصاحت

فصاحت به معنی وضوح، روشنی و درستی کلمه یا کلام، در اصطلاح، بیان مقصود است با الفاظی واضح و روان که خالی از عیب‌هایی مانند حروف و کلمات دشوار، و سنگین، بدآهنگ و ناموزون، پیچیده و مبهم باشد و معنی آن به راحتی درک شود.

## بلاغت

بلاغت به معنی رسایی کلام، چیره‌زبانی و شیوایی سخن است و در اصطلاح، سخن گفتن به اقتضای حال مخاطب و جایگاه، یا مطابقت سخن با موقعیت است؛ یعنی هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. گاهی اطناب پسندیده است و گاهی ایجاز مناسب است. هم‌چنان که مولوی در این بیت فرموده است:

هون که با کودک سروکار تفتاد      هم، زبان کودکی باید گشاد

نتیجه می‌گیریم که فصاحت به چگونگی و کیفیت کلمات برمی‌گردد و بلاغت هم فصاحت را در نظر دارد و هم به چگونگی معنا و محتوایی کلام توجه می‌کند؛ به تعبیر دیگر، فصاحت جنبه‌های ظاهری سخن را می‌بیند و بلاغت معنی و محتوای کلام را می‌سنجد، علم بلاغت سه شاخه دارد: بدیع، معانی و بیان. در درس‌های آتی با این اصطلاحات بیش‌تر آشنا خواهیم شد.

۱. مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید.

پاسخ

به طور کلی عواملی که ذهن انسان را به فعالیت درمی آورند، متن هستند؛ یعنی به جز نوشته‌های روی کاغذ و کتاب، صداها، بوها، رویدادها، مزه‌ها، لمس شدنی‌ها و ... متن به حساب می‌آیند.

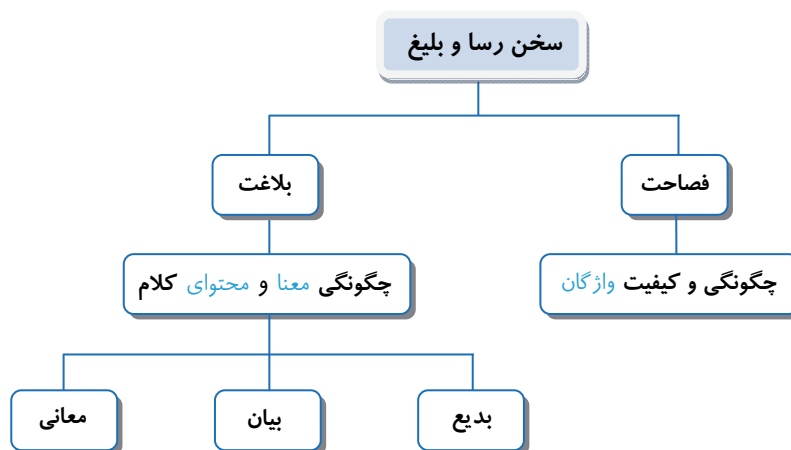
**مثال** ۱) کتاب یک متن به حساب می‌آید که اگر خوانده شود، به آن متن خوانداری یا شنیداری می‌گوییم.  
۲) یا دیدن یک صحنه از تصادف، یک متن است که آن را متن دیداری می‌توان گفت.

۲. درباره پیشینه واژه «ادب» به اختصار بنویسید.

پاسخ

این واژه، مترادف ادبیات است. طبق عقاید قدما، ابتدا این واژه به شناختن اموری گفته می‌شد که انسان را از مرتکب شدن به خطاها حفظ می‌کرد؛ بعدها به علمی گفته می‌شد که انسان به کمک آن، از خطا در سخن گفتن مصون می‌ماند. امروزه هم ادبیات، به مجموعه آثار و نوشته‌های مکتوب حرفه‌ای مانند ادبیات پزشکی، مدیریت، اخلاق و ... و گاهی شفاهی مانند افسانه‌ها، ترانه‌ها و ... گفته می‌شود که میراث گران‌بهای ادبی به شمار می‌روند.

۳. نمودار زیر را با توجه به آموزه‌های درس کامل کنید.



۴. به نظر شما متن زیر، می‌تواند نمونه و مصداق مناسبی برای این مفهوم از ادبیات «ادبیات هنر کلامی است؛ کلامی زیبا که خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار است»، باشد؟ توضیح دهید.

«زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بید افشان فروپیچید. غنچه شکفتن آغاز کرد و سبزه دمید. گل هم چون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.»

(مهرزاد اوستا)

## پاسخ

بلی؛ چنان‌که می‌بینیم، گوینده با استفاده از علم بلاغت مثلاً با دادن حالات انسانی به پدیده‌هایی مانند زمین، بید و چمن، قوه خیال مخاطب را برانگیخته و از آرایه تشخیص استفاده کرده است؛ همچنین با به‌کارگیری تشبیه (گل هم چون یادی فراموش گشته ...) این خیال‌انگیزی را قوت بخشیده است. و با این آرایه‌های زیبا، میزان تأثیر و گیرایی متن خود را در خواننده افزایش داده است.

۵. با توجه به عبارت زیر دو متن (الف و ب) را بررسی کنید.

«هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است؛ هدف ادبیات، زیبایی‌آفرینی»

الف. ماه، یکی از سیارات منظومه شمسی است؛ اگر چه خود تیره و بی‌نور است اما در شب، نورانی است. پهنه تاریک آسمان در ظلمت شب به نور ستارگان و تالک ماه روشن می‌شود.

ب. شب آغاز شده است، در ده چراغ نیست؛ شب‌ها به مهتاب روشن است و یا به قطره‌های درشت و تابناک باران ستاره، مصایح آسمان.

شکوه و تقوا و شگفتی و زیبایی شورانگیز طلوع خورشید را باید از دور دید. اگر نزدیکش برویم، از دستش داده‌ایم! لطافت زیبای گل در زیر انگشت‌های تشریح می‌پژمرد!

(دکتر علی شریعتی)

## پاسخ

الف. نویسنده در این متن، پیام خود را که همانا توضیح بخشی از ویژگی‌های علمی ماه است، به مخاطب اعلام می‌کند و هدف اصلی مقوله زبان را به اجرا درآورده است. پس این متن یک متن زبانی است.

ب. نویسنده در این متن صرفاً پیامی را از مقوله‌های زبانی به مخاطب القا نمی‌کند بلکه در پی خلق و آفرینش زیبایی‌های ادبی است از جمله می‌توان به زیبایی‌هایی مثل: تشبیه خودنمایی و سوسوی ستارگان به باران؛ یا تشبیه ستارگان به چراغ‌های آسمان اشاره کرد. آرایه تشخیص نیز در متن به چشم می‌خورد: شکوه و تقوا که از داشته‌های انسانی است، به خورشید نسبت داده است. در مجموع، متن این قسمت کاملاً هنری و ادبی است.

## بررسی و طبقه‌بندی آثار

۲  
درس

همان‌طور که می‌دانیم تحلیل هر متن ادبی - اعم از نثر و نظم - را از چند دیدگاه می‌توان مطالعه کرد و با بررسی دقیق و موشکافانه آن را کالبد شکافی کرد؛ برای دستیابی به این منظور می‌توان متن را از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، زبانی، اخلاقی، محیطی، فکری، تاریخی، روان‌شناختی، ادبی و ... بررسی نمود. اکنون از بین دیدگاه‌های موجود سه دیدگاه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

**الف.** قلمرو زبانی      **ب.** قلمرو ادبی      **ج.** قلمرو فکری

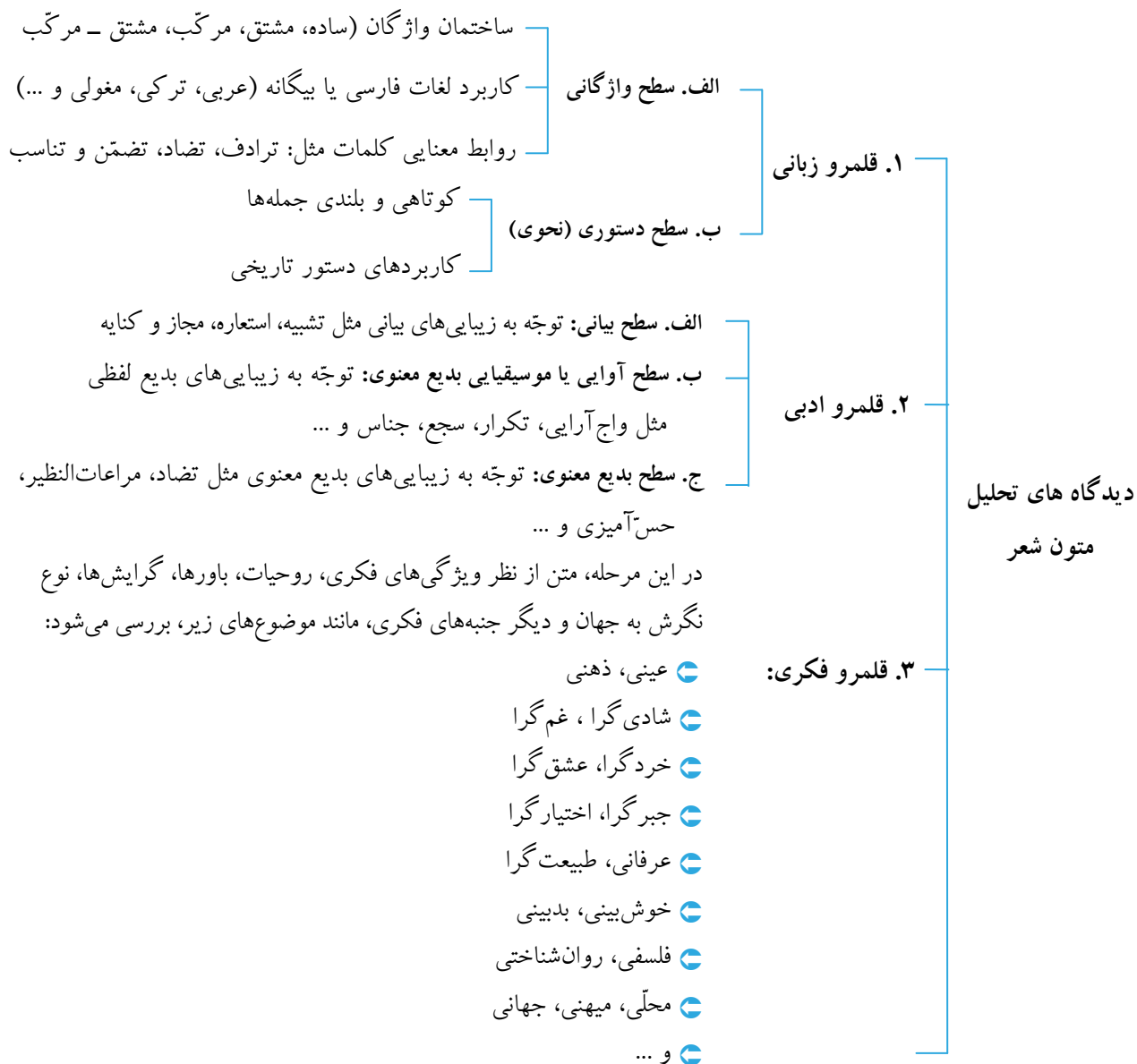
برای درک بهتر این موضوع به توضیح مختصری در ارتباط با سه دیدگاه موردنظر اشاره می‌کنیم:

**قلمرو زبانی:** هر اثر مکتوب، زبان ویژه خود را دارد. زبان برخی از آثار، ساده و قابل فهم است و برخی دیگر به دلیل وجود پاره‌ای لغات و اصطلاحات خاص به تعمق و تأمل بیش‌تری نیاز دارد. فهم زبان متن، در گرو فهم برخی لغات، ترکیبات و قواعد دستوری است. کاربرد لغات فارسی و بیگانه، ساختمان واژه، روابط معنایی کلمات از قبیل مترادف، تضاد، تضامن، تناسب و نیز نوع گزینش واژه‌ها در این مرحله بررسی می‌شود که درجه سادگی و دشواری متن، نتیجه آن است. یادآوری می‌کند در تعیین ویژگی‌های سبکی هر دوره ادبی، توجه به همه موارد و مختصات متن، لازم و مفید است.

**قلمرو ادبی:** گام دیگر در بررسی یک اثر، فهم زیبایی‌های ادبی آن است. در این سطح، شیوه شاعر در به کارگیری عناصر زیبایی (مسایل بیان، نظیر، تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه و نیز مباحث بدیع لفظی، واج‌آرایی، تکرار، سجع، جناس و ... و بدیع معنوی مانند: تضاد، مراعات‌نظیر و ...) مورد بررسی قرار می‌گیرد. موسیقایی (آوایی)، بدیعی و بیانی.

**قلمرو فکری:** کلمات و جملات، مصالح و ابزاری هستند که صاحب هر اثر، آن را برای بیان اندیشه و فکر خود به کار می‌گیرد. (توضیحات بیش‌تر را در نمودار پایین ملاحظه بفرمایید.)

شاید خلاصه توضیحات فوق، در نمودار زیر، کمک شایانی به جمع‌بندی این موضوع بکند:



پس از این گام ها و شناخته شدن جهان متن، نوع اثر بر حسب غلبه موضوع و محتوا و از نظر انواع ادبی (حماسی، غنایی، تعلیمی، نمایشی و ...) طبقه بندی می شود.

ادبیات نیز مانند دیگر پدیده ها، انواعی دارد. آثار ادبی از نظر شکل و ساختمان، محتوا و شگردهای هنری با یکدیگر متفاوتند. چنان که، شعر، داستان و نمایشنامه هر کدام ویژگی هایی دارند.

قدیم ترین طبقه بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته است؛ آن ها از چهار نوع حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی، سخن گفته اند؛ این تقسیم بندی، بیش تر مبتنی بر شعر بود و جنبه محتوایی داشت.

در ایران هم شعر، نسبت به نثر رواج بیش تری داشت؛ از این رو، انواع ادبی بر اساس ساختمان و قالب شعر، طبقه بندی شد؛ مانند قصیده، قطعه، غزل، رباعی، مسقط، مستزاد، ترکیب بند و ...

آثار ادبی (شعر و نثر) را از دو دیدگاه کلی هم می توان طبقه بندی کرد:

**الف.** بر اساس محتوا و موضوع      **ب.** بر اساس ساختمان و شکل

۱. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟

پاسخ

یکی از ساده‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن این است که متن را از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی، فکری

۲. با توجه به قلمرو زبانی و سطوح آن، نوشته‌ی زیر را بررسی نمایید.

«اسطوره، در لغت به معنی افسانه و قصه است و در اصطلاح به قصه‌ای اطلاق می‌شود که ظاهراً منشأ تاریخی نامعلومی دارد. مضمون اساطیر، معمولاً آفرینش انسان، خلقت جهان، جنگ‌ها و نبردهای اقوام، سرگذشت خدایان، قهرمانان دینی و ... است. زال، اسکندر، رستم، سیمرغ، رخس و ... از اساطیر ایرانی هستند.»

(غلامسین یوسفی)

پاسخ

الف. در سطح واژگانی:

واژگان عربی موجود در این متن عبارتند از: اسطوره، لغت، قصه، اصطلاح، اطلاق، ظاهراً، منشأ، معلوم، مضمون، اساطیر، معمولاً انسان، خلقت، اقوام  
 رابطه‌ی مترادف بین دو واژه «قصه» و «افسانه» و البته بین دو واژه «آفرینش» و «خلقت» دیده می‌شود.

ب. در سطح دستوری (نحوی):

بلندی جمله‌ها در متن مشاهده می‌شود. مثل جمله آخر

۳. سروده‌ی زیر را از نظر سطح موسیقی و تناسب‌های آوایی (واج‌آرایی، تکرار و جناس) بررسی کنید.

باد فنک از جانب فوارزم وزان است	فیزید و فز آرید که هنگام فزان است
گوی بی به مثل، پیرهن رنگ رزان است	آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است
کاندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلزار	دهقان به تعجب، سر انگشت گزان است
نه هیچ بیارامد و نه هیچ بیاید	دهقان به سم‌گهان کنز فانه بیاید
پندان که به گلزار ندیده است و سمن زار	گل بیند پندان و سمن بیند پندان

(منوچهری)



## پاسخ

آرایه‌های ادبی در این شعر بسیار ساده و عادی و طبیعی است. مثلاً می‌توانیم از نظر بدیع لفظی آرایهٔ واج‌آرایی را در بیت اول ببینیم و آن تکرار آگاهانهٔ دو واج صامت «خ» و «ز» است که این بیت یکی از زیباترین شاهد‌ها برای این آرایه است.

آرایهٔ تکرار (واژه‌آرایی) در بیت دوم «رزان» دوبار تکرار شده است؛ همچنین سمن

قافیه و ردیف در این شعر بسیار ساده است: رزان است، قافیه و ردیفی بسیار ساده است.

جناس ناقص اختلافی بین دو واژهٔ (رزان) و (گزان) دیده می‌شود. البته بین دو واژهٔ (رزان) و (وزان) نیز دیده می‌شود.

۴. با توجه به سطح بیانی (قلمرو ادبی) متن زیر را از نظر کاربرد آرایه‌های تشخیص، تشبیه و کنایه تحلیل نمایید.

«صبح است، آفتاب مثل تشتی از طلای گداخته بر گوشهٔ جهان گذاشته شده، فلک نقاش می‌خواهد عالم را طلایی کند؛ اما هنوز دست به کار نشده، اول با گرد نقره‌ای و لاجوردی بوم آسمان را رنگ می‌ریزد. زمین مانند روپوشی از مخمل سبز است. انبوه درختان در هر گوشه سر به هم آورده‌اند و هنوز اسرار شب را در میان دارند ...»

(آینه، ممر میز)

## پاسخ

تشبیه: آفتاب را به تشتی از جنس طلای گداخته تشبیه کرده است.

تشبیه: فلک نقاش: به شیوهٔ اضافهٔ تشبیهی فلک را به یک نقاش، تشبیه کرده است.

تشبیه: بوم آسمان: آسمان را به روش اضافهٔ تشبیهی، به بوم نقاشی تشبیه کرده است.

تشبیه: زمین را به روپوشی از مخمل سبز تشبیه کرده است.

تشخیص: فعل «خواستن» را به فلک نسبت داده و او را مانند انسان تصوّر کرده که می‌خواهد عالم را طلایی کند.

تشخیص: به درختان هم حالت انسانی بخشیده به گونه‌ای که مثل انسان‌ها، در گوشه‌ای سر به هم آورده‌اند.

کنایه: دست به کار نشدن، کنایه از شروع نکردن کار است.

کنایه: رنگ ریختن، کنایه از نقاشی کردن و این‌جا به رنگ‌های گوناگون در آوردن است.

کنایه: سر به هم آوردن، کنایه از جمع شدن در گوشه‌ای است.

کنایه: اسرار شب در میان داشتن، کنایه از یادآوری اتفاقات شب است.

۵. نوشتهٔ زیر، با کدام بخش از متن درس، ارتباط دارد؟ توضیح دهید:

«مصالح کار شاعر در آفرینش شعر، واژه‌هاست و دارای دو بعد: لفظ و معنا. از این نظر، شاعر با نقاشی و پیکرتراشی و موسیقی متفاوت است. شاعر در عین حال که دست به آفرینش زیبایی می‌زند، می‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد و پیامی را ابلاغ کند. حال آن که موسیقیدان و نقاش و مجسمه‌ساز به سبب یک بُعدی بودن مواد کارشان (صدا، رنگ و سنگ) نمی‌توانند چنین رسالتی داشته باشند.»

(ومیران کامیار)

متن پرسش، ناظر بر قلمرو ادبی از طریقه‌های شناخت سبک نوشتار و شعر است. در این حوزه، آرایه‌های ادبی متون نثر و نظم، از نظر مقوله‌های بیانی (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) و همچنین از نظر بدیع لفظی و معنوی بررسی می‌شوند.

۶. با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را دربارهٔ محتوا و موضوع سرودهٔ زیر بنویسید.

آب را گل نکنیم

در فرودست انگار، گفتی می‌فورد آب

یا که در پیشهٔ دور، سیره‌ای پُر می‌شوید

یا در آبادی، کوزه‌ای پُر می‌گردد.

آب را گل نکنیم؛

شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، تا فرو شویر اندوه دلی؛

دست درویشی شاید، نانِ فشکیده فرو برده در آب ...

(سهراب سپهری)

شاعر، بسیار عینی و واقع‌گرا دست به خلق تصویرسازی کرده است.

معشوق او زمینی است.

حکمت و پند و اندرز در این شعر موج می‌زند.

شاعر با خوشبینی تمام توصیه به واقع‌بینی می‌کند.

## کالبد شکافی متن (۱) شعر

۳  
درس

همان‌طور که در مبانی علوم و فنون ادبی اشاره شد، مقصود از «متن» در این کتاب، فقط آثار مکتوب ادبی است که در یک نگاه کلی، این متون به دو بخش تقسیم می‌شود:

شعر }  
متون آثار مکتوب }  
نثر }

اکنون تلاش می‌کنیم برای دستیابی بهتر به نتایج آموخته‌های درس‌های پیشین، با تدوین و تبیین یک چهارچوب منطقی به صورت گام‌به‌گام، طرحی پیشنهادی را ارائه دهیم.

طراحی این گام‌ها به ترتیب زیر است:

۱. خوانش متن
۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی
۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی
۴. شناسایی و استخراج نکات فکری
۵. نتیجه‌گیری و تعیین نوع

اکنون با بررسی شعر زیر از الهی‌نامه عطار نیشابوری، سیر مراحل پنج‌گانه این طرح را در شعر نشان می‌دهیم:



به ۴۱ افتاد رو باهی سمرگاه  
که گر می‌آید بیند همپنینم  
پس آن‌گه، مُرده‌کرد او فویشتن را  
پو می‌آید آمد، او را مرده پنداشت  
ز بن بُرید مالی گوش او لیک  
به دل، رو باه گفتا؛ ترکِ غم‌گیر  
یکی دیگر پیامد، گفت: این دم  
زبانش را بُرید آن مرد، ناگاه  
دگر کس گفت: ما را از همه پیز  
نزد دم، تا که آهن در کُندند  
به دل، رو باه گفتا؛ گر بمانم  
دگر کس آمد و گفت: افتبار است  
پو نام دل شنید از دور، رو باه  
به دل می‌گفت: با دل نیست بازی  
بگفت این و به صد دستان و تزویر  
هریث دل، هریتی بس شکفت است  
به روبه بازی اندیشید در راه  
دهد مالی به گارز پوس‌تینم  
ز بیم جان، فرو افکنند تن را  
نمی‌یارسد روبه، را کم انگاشت  
که گوش او به کار آید مرا نیک  
پو زنده مانده‌ای، یک گوش، کم‌گیر  
زبان او به کار آید مرا هم  
نکرد از بیم جان، یک ناله رو باه  
به کار آید همی دندان او نیز  
به سفتی پند دندانش بکنند  
نه دندان باش و نه گوش و زبانم  
دل روبه، که رنپی را به کارست  
چو جان بر پشم او شد تیره، آن‌گاه  
کنون باید به کارم هیله سازی  
بست از ۴۱، هم‌پون از کمان، تیر  
که در عالم، هریش در گرفته است  
عطار نیشابوری، الهی‌نامه

اکنون به بررسی گام‌های پنج‌گانه متن فوق می‌پردازیم:

### الف. خوانش شعر

نخستین قدم مؤثر برای رویارویی و شناخت متن، خوانش صحیح آن است. لازم است قبل از خوانش، با یک نگاه کلی لحن و آهنگ آن را تشخیص دهیم؛ پس از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای اثر، خواندن اتفاق می‌افتد. دقت داشته باشیم که لازم است تمام اثر، یک‌باره و بدون وقفه، خوانده شود تا درک ارتباط طولی و فهم محتوا دچار اختلال نشود.

### ب. شناسایی و استخراج نکات زبانی

بعد از خوانش دقیق شعر، عینک زبانی به چشمان خود زده و شعر را دوباره بازخوانی می‌کنیم و نکات برجسته قلمرو زبانی را شناسایی و دسته‌بندی می‌کنیم؛ مثلاً برخی از نکات زبانی شعر عطار، عبارتند از:

وجود واژگان کهن مانند «گازر»، «نمی‌یارست»

کمی واژگان غیرفارسی

کاربرد شبکه معنایی؛ مانند «حیله، دستان، تزویر، دام» و «دل، زبان، گوش و دندان»

ترکیب‌سازی؛ مانند «روبه باز»، «حیله‌سازی» حقه‌بازی

کاربردهای تاریخی دستور: «مُرده کرد»، «نمی‌یارست ... کم‌انگاشت»، «به کار آید همی»

سادگی و کوتاهی جمله‌ها؛ مانند «به دام افتاد روباهی سحرگاه»، «به روبه‌بازی اندیشید در راه» و ...

بیش‌تر کلمات شعر، ساختمان ساده دارند: دام، روباه، صیاد، گازر، گوش، دل، زبان و ...

زبان شعر، ساده و روان است و پیچیدگی ندارد.

به کارگیری واژگان به صورت مخفف: روبه، گر، آن‌گه، ز، دگر

حذف «می» در مضارع اخباری، مانند «دهد» به جای «می‌دهد»

و ...

### ج. شناسایی و استخراج نکات ادبی

در این مرحله، عینک زیبایی‌شناسی به چشم می‌زنیم و شعر را یک‌بار دیگر بررسی می‌کنیم و به نکات ادبی زیر، دست می‌یابیم:

از قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع هر بیت، می‌فهمیم که قالب شعر «مثنوی» است.

«ترکِ غم گرفتن»، «دَم نزدن» و «جهان بر چشم او تیره شدن» کنایه است.

«بجست از دام، هم‌چون از کمان، تیر» تشبیه و مراعات‌النظیر دارد.

به کارگیری ردیف در برخی اشعار برای افزایش موسیقی شعر، مثل (را) در بیت سوم

به کارگیری آرایه تکرار؛ واژه «حدیث» در آخرین بیت، سه بار تکرار شده و سبب افزایش موسیقی شعر شده است.

مراعات‌النظیر: به کار بردن کلمات زبان، گوش، دل، جان و دندان که از اعضای بدن هستند.

تضاد: به کارگیری جان و تن در تضاد با هم

و ...